

اقبال لاهوری

علامه محمد اقبال لاهوری، فیلسوف و متفکر نامدار و نواندیش جهان اسلام، در سال ۱۸۷۳ میلادی در شهر سیالکوت از ایالت پنجاب هند به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در

رشته‌ی فلسفه در دانشگاه لاهور ثبت‌نام کرد و از مضر سر تامس آرنولد بهره برد. دوره‌ی فوق‌لیسانس این رشته را با امراز رتبه‌ی اول در دانشگاه پنجاب به پایان رساند و به استادی برگزیده شد. در همین حال، به فراگیری زبان فارسی و عربی روی آورد.

در سال ۱۹۰۱ نخستین کتاب خود را در زمینه‌ی اقتصاد به زبان اردو تالیف کرد. سپس به توصیه‌ی سر تامس آرنولد برای ادامه‌ی تحصیلات عازم اروپا شد و سه سال در آنجا به مطالعه و تحصیل پرداخت. در دانشگاه کمبریج در رشته‌ی فلسفه پذیرفته شد و در آنجا با مک تیگارت، از هگل‌گرایان سرشناس، ادوارد براون و رینولد نیکلسون، از مستشرقان بنام، آشنا شد. پس از اخذ درجه‌ی فلسفه‌ی اخلاق از کمبریج وارد دانشگاه مونیخ در آلمان شد و رساله‌ی دکترای خود را با عنوان «سیر فلسفه در ایران» تدوین نمود. اقبال از میان متفکران غرب به آثار لاک، کانت، هگل، گوته، تولستوی، و از شرقیان به اشعار مولوی دل‌بستگی خاصی داشت.

اقبال شیفته‌ی زبان و ادبیات فارسی بود و زبان فارسی را برای بیان آراء و افکار خود برگزید. اقبال به تدریج از یک شاعر وطنی به شاعری اسلامی-جهانی تحول یافت، تا جایی که به اعتقاد بسیاری از متفکران وی یکی از نخستین

منادیان ومدت اسلامی به شمار می‌رود. اقبال در سال‌های نخست بازگشت به هند، «اسرار خودی و رموز بی‌خودی»^p را منتشر کرد. این منظومه‌ها به دست رینولد نیکلسون، استاد فلسفه‌ی وی رسید. نیکلسون که از قبل استعداد وی را می‌شناخت به ترجمه‌ی این منظومه به زبان انگلیسی اقدام نمود. بدین ترتیب اقبال پیش از آن‌که در هندوستان شناخته شود، در انگلستان به شهرت و اعتبار رسید.

اقبال در ۱۹۲۶ به عضویت مجلس قانون‌گذاری پنجاب انتخاب شد. منازعات و کشمکش‌های متعدد میان مسلمانان و هندوها و عشق به آزادی وی را به شرکت در فعالیت‌های سیاسی علاقه‌مند کرد تا این‌که در ۱۹۳۰، در جلسه‌ی سالیانه‌ی حزب مسلم لیگ در احمدآباد، پیشنهاد تشکیل دولت پاکستان را مطرح نمود. با این‌که اقبال چندان زنده نماند^۳ که استقلال کشور پاکستان را در سال ۱۹۴۷ ببیند، اما به‌عنوان پدر معنوی پاکستان از امتزاج فراوانی برخوردار است و هر سال در روز تولد او که به «یوم اقبال» معروف است، جشن‌ها و آیین‌هایی ویژه برگزار می‌شود.

عشق و علاقه‌ی وافر اقبال به سرزمین، تمدن و فرهنگ ایران در تمامی آثار و سروده‌های وی هویداست، عشقی نشأت‌گرفته از مایه‌های ایمان دینی؛ تا بدان‌جا که تهران را ام‌القرای دوم جهان اسلام می‌دانست.

دوبیتی‌ها

سمر در شافسار بوستانی
چه فوش می‌گفت مرغ نغمه‌فوانی
برآور هرچه اندر سینه داری
سرودی، نغمه‌ای، آهی، فغانی

سمر می‌گفت بلبل باغبان را
در این گلِ جز نهال غم نگیرد
به پیری می‌رسد خار بیابان
ولی گل چون جوان گردد بمیرد

چه می‌پرسی میان سینه دل چیست؟
فرد چون سوز پیدا کرد دل شد
دل از ذوق تپش دل بود لیکن
چو یک دم از تپش افتاد گل شد
کنشت و مسجد و بت‌خانه و دیر
جز این مشقت گلی پیدا نکردی!
ز بند غیر نتوان جز به دل رست
تو ای غافل! دلی پیدا نکردی

هم‌دم و بیگانه

ای چو جان اندر وجود عالمی
جان ما باشی و از ما می‌رمی



اقبال لاهوری (۱۹۳۸-
۱۸۳۷)

نغمه از عود تو در ساز میات
موت در راه تو محسود میات

باز، تسکین دل ناشاد شو
باز اندر سینه‌ها آباد شو

باز از ما فواه ننگ و نام را
پخته‌تر کن عاشقان خام را

از تهی‌دستان رخ زیبا مپوش
عشق سلمان و بلال ارزان فروش

کوه آتش‌خیز کن این کاه را
ز آتش ما سوز غیرالله را

رشته‌ی ومدت چو قوم از دست داد
صد گره بر روی کار ما فتاد

ما پریشان در جهان چون اختریم
همدم و بیگانه از یک‌دیگریم

باز این اوراق را شیرازه کن
باز آیین محبت تازه کن

باز ما را بر همان خدمت گمار
کار خود با عاشقان خود سپار

رهروان را منزل تسلیم بخش
قوت ایمان ابراهیم بخش

مریم و زهرا (س)

مریم از یک نسبت عیسی عزیز
از سه نسبت حضرت زهرا عزیز

نور چشمه رمه للعالمین
آن امام اولین و آخرین

آن که جان در پیکر گیتی دمید
روزگار تازه آیین آفرید

بانوی آن تاجدار هل اتی
مرتضی، مشکل گشا، شیر خدا

پادشاه و کلبه‌ای ایوان او
یک مسام^۴ و یک زره سامان او

مادر آن مرکز پرگار عشق
مادر آن کاروان-سالار عشق

آن یکی شمع شبستان مره
حافظ جمعیت خیرالامم

تا نشیند آتش پیکار و کین
پشت پا زد بر سر تاج و نگین

وان دگر مولای ابرار جهان

قوت بازوی امرار جهان

در نوای زندگی، سوز از مسین

اهل حق، مزیت آموز از مسین

مزرع تسلیم را حاصل بتول

مادران را اسوهی کامل بتول

بهر محتاجی دلش آن‌گونه سوخت

با یهودی چادر خود را فروخت

... آن ادب پرورده‌ی صبر و رضا

آسیاگردان و لب قرآن‌سرا

اشک او برچید جبریل از زمین

همچو شبنم ریخت بر عرش برین ...

مراجع:

- مؤسسه‌ی مطالعه‌ی تاریخ معاصر ایران

- اسرار فودی و رموز بی‌فودی، سروده‌ی اقبال لاهوری

- رباعیات اقبال لاهوری

شاید شماری اندک از علاقه‌مندان به ادبیات منظوم فارسی بدانند

که کتاب «جاویدنامه» اقبال لاهوری که در اصل به زبان فارسی

سروده شده، نزدیک به نیم قرن پیش از این، در سال ۱۹۵۷ میلادی، به زبان آلمانی ترجمه و در شهر مونیخ منتشر شده است. اما بی‌گمان کمتر کسی می‌داند که هرمان هسه پیشگفتاری کوتاه بر ترجمه ی آلمانی این کتاب نگاشته است.

«جاویدنامه» را آنماری شیمل، اسلام‌شناس نامدار آلمانی، به دو زبان ترجمه کرد: نخست به زبان آلمانی و سپس به زبان ترکی. پیشگفتار هرمان هسه بر ترجمه آلمانی شیمل از «جاویدنامه» کوتاه، اما جذاب و جان‌نواز است و شاید تنها اظهار نظر او دربار ادبیات فارسی. البته در نگاه اول این پرسش به ذهن فطور می‌کند که آشنایی هسه با آثار و افکار اقبال از چه طریق صورت گرفته و اصولاً چه چیز هسه را به اقبال نزدیک کرده است. نخست آنکه می‌دانیم هسه به ادبیات و عرفان مشرق‌زمین آشنا بود و به آن دلبستگی و گرایش داشت. بی‌گمان تأثیر عرفان و حکمت شرق را در دو کتاب «سفر شرق» (Die Morgenlandfahrt) و «سیدارتا» (Siddhartha) بیش از دیگر آثارش می‌توان دید. افزون بر این هسه با فیلسوف آلمانی «رودلف پانویتس» (Rudolf Pannwitz) که از طریق نوشته‌های شیمل با آثار و افکار اقبال آشنا شده بود، دوستی و مکاتبه داشت. از سوی دیگر شیمل، در

سال ۱۹۵۱ میلادی، با این فیلسوف آلمانی در سمپوزیوم‌هایی که به همت کارل گوستاو یونگ در «آسکونا» سوئیس برگزار می‌شد طرح دوستی ریخته بود و با او نامه‌نگاری داشت. پانویتس پس از مطالعه اولین تمقیق شیمیل درباره اقبال، بزرگترین ستایشگر این متفکر و شاعر مسلمان شده بود.

مال آنماری شیمیل که از دلبستگی هرمان هسه به ادبیات عرفانی شرق آگاه بود، پس از اتمام ترجمه «جاویدنامه» اقبال، از طریق دوست مشترکشان پانویتس، متن ترجمه کتاب «جاویدنامه» را پیش از انتشار برای هسه می‌فرستد و از او فوایش می‌کند که پیشگفتاری بر این کتاب بنویسد. ناگفته نگذارم که در آن زمان نه آنماری شیمیل در شرق معروفیت چندانی داشت و نه اقبال در غرب شناخته شده بود. از این رو درخواست شیمیل از هسه را می‌توان به‌مساب زیرکی این بانوی فرهیفته گذاشت که یکی از نفستین ترجمه‌های خود از ادبیات منظوم شرق را با پیشگفتار یکی از نامدارترین نویسندگان غرب و برنده جایزه نوبل آراست.

به هر حال، حاصل کار متن کوتاهی است که از آن زمان تا کنون در سرآغاز تمام چاپ‌های ترجمه آلمانی کتاب «جاویدنامه» و نیز

کتابی که شیمل درباره زندگی و آثار اقبال نگاشته است، دیده می‌شود و ترجمه فارسی آن را در زیر می‌خوانید.

«محمد اقبال لاهوری آیا اگر دقیقاً کلام هسه را بکار گیریم Sir [Muhammad Iqbal] به سه قلمرو معنوی تعلق دارد. آثار گرانشنگ او نیز از سرچشمه این سه جهان معنوی سیراب می‌شوند: قلمرو معنوی هند، جهان رومانی اسلام و دنیای اندیشه‌های مغرب‌زمین.

مسلمانی برفاسته از سرزمین هند، آموخته قرآن، تعلیم‌دیده ودانتا و فرهیخته عرفان ایرانی- عربی؛ اما سفت متأثر از پیچیدگی فلسفه غرب، و با برگسون و نیچه آشنا، ما را در عروج فزاینده‌ای به قلمرو معنوی فویش هدایت می‌کند.

اقبال عارف نیست، اما تقدیس‌شده مولای روم است. نه هگل‌گراست و نه پیرو برگسون، لیکن فیلسوفی نظری است. سرچشمه توانایی فکری او اما در جای دگر نهفته است؛ در دیانت و در ایمان او. اقبال دیندار است، دینداری که خود را وقف فدا کرده است. با این همه ایمان او کوتاه‌بینانه و کودکانه نیست، سرتاسر متهورانه و مردانه است، آتشین است و پیکارگر؛ و پیکار او تنها در راه فدا نیست، بلکه مبارزه‌ای برای این جهان نیز هست. زیرا

ایمان اقبال ادعای فراگیری و جامعیت دارد و بی‌هیچ تردید،
فواستِ آزادگی و آزاداندیشی دینی را نیز در بردارد. رؤیای او
بشریتی است متمد، به‌نام و در قدمت فدا.

در نگاه راهیان سفرِ معنوی به‌مشرق‌زمین، گسترهٔ دانش و
فرهیفستگی اقبال و شوق خیالپردازیِ پُرظرافت او همچون نبوغ
مهم و مهین این اندیشمندِ توانا، جلوه‌گر نخواهد شد؛ بلکه قدرت
عشق و نیروی فلاقیتِ شاعرانهٔ اوست که تمسین‌برانگیز است.
مسافران این راه، او را به‌فاطر آتشی که در سینه نهان دارد و
به‌فاطر جهانِ تصاویر شعرهایش گرامی فوهند داشت؛ و کتاب
«جاویدنامه» او را چون «دیوان شرقی- غربی» دوست فوهند
داشت.» همایش بزرگداشت اقبال لاهوری در تورنتو برگزار شد

دوازدهم اردیبهشت ماه هشتاد و سه در محل مرکز اسلامی نورث
یورک واقع در شهر تورنتو کانادا همایش بزرگداشت اقبال لاهوری
برگزار شد .

به گزارش خبرنگار گروه دین و اندیشه، در این همایش اساتید و
صاحب‌نظران به سخنرانی در فصوص ابعاد مختلف شخصیت اقبال،
ایده‌ها و اشعار و نیز نقش وی در بیداری مسلمانان شبه‌قاره هند

پرداختند . سفیران این همایش عبارت بودند از: دکتر نعمان المق استاد دانشگاه پنسیلوانیا، دکتر فاضل لاریجانی، رایزن فرهنگی سفارت چ. ا. ایران در اتاوا، ظفر بنگاش، مدیر موسسه اندیشه اسلامی معاصر، مظفر اقبال، رئیس مرکز علم و اسلام در ادمونتون کانادا ، عبدالله جان، صامبندر در موزه علوم سیاسی و توسعه و صامب تالیفاتی در ارتباط با اسلام و دموکراسی، و دکتر جوام از دانشگاه تورنتو .

ظفر بنگاش، مدیر همایش، طی سخنانی در خصوص نقش علامه اقبال و پیامی که دیدگاه و افکار وی برای زمان حاضر می تواند داشته باشد سخن گفت .

در ادامه همایش ، عبدالله جان به دیدگاه های سیاسی اقبال پرداخت و بر تاکید اقبال بر ایجاد حکومت اسلامی انگشت نهاد.

دکتر مظفر اقبال نیز طی سخنانی بر دیدگاه های مومدانه و عارفانه علامه اقبال تاکید نمود. وی سپس به تشریح مفهوم "فودی" در فلسفه اقبال و تاثیرات دیدگاه تومیدی اسلامی بر کنشهای مسلمانان و جوامع مسلمان پرداخت

دکتر نعمان المق ، دیگر سفنران همایش ، طی سفنانی به تشریح و تفسیر دیدگاه های اقبال و تأثیری که او از مثنوی مولوی پذیرفته است پرداخت. وی توجه به جنبه های انسانی را در اشعار اقبال از بارزترین نکات قابل توجه در تفسیر شخصیت وی دانست.

دکتر جواه نیز به قرائت اشعار فارسی اقبال و نظر برفی از شعرای معاصر ایران در مورد جایگاه اقبال در ادبیات ایران پرداخت.

دکتر فاضل لاریجانی، رایزن فرهنگی ایران در کانادا دیگر سفنران این همایش بود که تمت عنوان " اقبال و مدرنیته " به سفنرانی پرداخت. وی با اشاره به دغدغه اصلی متفکرین و مصلمین اسلامی در قرن افیر و چگونگی مواجهه جوامع اسلامی با پدیده فراگیر مدرنیته، به محورهای اصلی دیدگاههای علامه اقبال در این فصوص اشاره کرد و برفی انتقادات علامه اقبال نسبت به تمدن غربی و شیوه آموزش مدرن غربی را برشمرد .

وی افزود : اقبال بر نیاز به تجدید نظر و تخییر و اصلاحات و به عبارت دیگر بازسازی جوامع و آموزش اسلامی تاکید فراوان داشت و آن چنان که از آثار منظوم و منثور او برداشت می شود،

هدف وی در درجه اول بیداری جوامع اسلامی و ارائه چارچوب فلسفی و کلامی منسجمی بود که بتواند هم جنبه ها و دیدگاههای معنوی مسلمانان را در برگیرد و هم نیازهای روزآمد جوامع اسلامی را برآورده ساخته، و به طور کلی بستری برای تمرک و پیشرفت چه در ابعاد معنوی و چه در ابعاد تمدنی فراهم سازد.

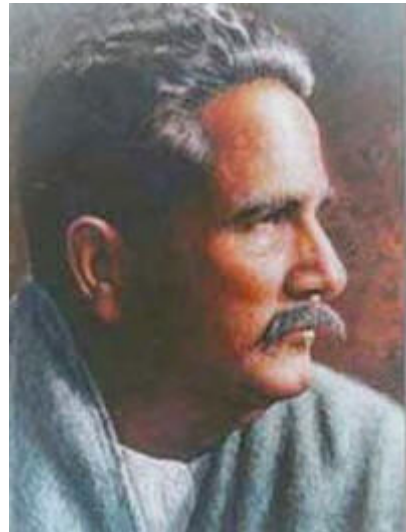
اثر مشهور اقبال در " تجدید سافتار تفکر اسلامی " در آن زمان در زمره محدود تلاشهای فیلسوفانه و محققانه برای ارائه سافتاری جدید و منسجم برای کلام و متافیزیک اسلامی بوده است.

دکتر لاریجانی در بخش دیگری از سفنان خود به برفی از اشعار اقبال که حاوی تفکرات عرفانی وی و تاثیرپذیری از مولوی بوده است اشاره کرده وگفت : فرازهایی از منظومه " پیر رومی و مرید هندی " اقبال که طرح مناظره دیالوگ گونه ای با مولوی است از آن جمله است .

وی اضافه کرد : فلسفه و زندگی اقبال داستان انسانگرای برجسته ای است که توانسته است تفسیر و فهم جدیدی از اسلام، به مثابه دین زنده، پویا و بالنده و برنامه زندگی برای همه اعصار، ارائه دهد.

دکتر لاریجانی در پایان ضمن ابراز امیدواری از اینکه این همایش توانسته باشد انگیزه ای برای مطالعه و پژوهش بیشتر در آثار اقبال شده و بتواند زمینه های گفتگو میان غرب و شرق، مبتنی بر دیدگاههای فلسفی تازه تری را دامن زند و افقی را برای جهانی شدن تفکر اسلامی در این دوران متخیر و متمدول (مدرن و پسامدرن) فراهم سازد، اشعاری از اقبال در مورد ایران زمین را به همراه ترجمه انگلیسی آن قرائت نمود .

اقبال لاهوری و جریانهای علمی و اکادمیک افغانستان



گل احمد یما

مقدمه

جریانهای علمی و اکادمیک در افغانستان معاصر با جریانهای عمومی جامعه اعم از جریانهای نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مدنی و فرهنگی در پیوند قرار دارد که بادر نظر داشت عوامل داخلی و خارجی میتواند تبیین کرد. اقبال لاهوری، به عنوان یکی از شخصیتهای مطرح در جهان اسلام، در جریانهای علمی و اکادمیک افغانستان معاصر، از جهات مختلف نقش دارد که ما اجمالا برقی از نکات عمده آن را به بررسی میگیریم.

معرفی اقبال لاهوری

علامه اقبال لاهوری یکی از شخصیتهای مهم فرهنگ و تمدن نیم قاره هند است که جوهره اساسی فرهنگ و تمدن اسلامی را در دوره معاصر تشکیل میدهد و امروز به عنوان یکی از ایدیو لوگهای مهم جهان اسلام شناخته میشود به گونه ای که اندیشه هایش در ایجاد جریانهای مهم سیاسی و فرهنگی کشور های اسلامی مخصوصا کشور های منطقه از اهمیت زیاد برخوردار است. محمد اقبال لاهوری در ۲۲ فبروری ۱۸۷۳ میلادی مطابق ۳ دلو ۱۲۵۲ ه. ش. در سیالکوت پاکستان تولد گردید اوبه تاریخ ۲۱ اپریل ۱۹۳۸ میلادی برابر با اثور ۱۳۱۷ ه. ش. چشم از جهان فرو بست. ۲ در

بارهء آموزشهای وی باید گفت که اقبال بعد از کسب آموزشهای مقدماتی در مدارس محلی و یک مدرسه انگلیسیها در مالیکه در ممیطش به میث یک شاگرد ممتاز و جوان آگاه شنافته میشد جهت تمصیلات عالی به پوهنتون کمبریج و پوهنتون مونینگ رفت و در رشتهء فلسفه به اخذ درجهء دکتورا نایل آمد. اقبال قبل از سفر و اخذ دکتورا با افکار دانشمندان و فلاسفهء غرب آشنایی داشت و از وضعیت کشور فویش در پیوند با استعمار مطلع بود و میخواست نوعی از بیداری را در افکار و میات سیاسی و مدنی کشور پدید بیاورد، تنظیم افکار یا تنظیم ایدیولوژی و استفاده از شعر برای اشاعهء ایدیو لوژی کاری بود که وی به انجام آن مبادرت میورزید. آنچه فصوصیت عمدهء این کارها را تشکیل میداد و بعد از تمصیل در پوهنتونهاى غرب دقیقتر و عمیقتر گردید همانا توجه به دید علمی و نظم اکادمیک بود که از بزرگانی چون امام محمد غزالی، مولانا جلال الدین محمد بلخی و سید جمال الدین افغانی ۳ و دیگران به ارث برده بود و با آثار متفکران، دانشمندان و فلاسفهء معاصر غرب ۴ پایه های آن را استمکام داده و از طریق اشتغال به امور حقوقی، سیاسی و مدنی ۵ باسافتارهای مختلف جامعه علاقمندی یافته به تنظیم اندیشه های دینی فویش پرداخته بود و یکنوع ایدیولوژی اسلامی را به

جهان معاصر برای مسلمانان ایجاد کرد ایدیولوژی که با سید جمال الدین افغان در سر زمین ما آغاز گردیده نفست در کشور های منطقه بعدا در سطح همهء جهان اسلام اشاعه یافت و امروز به عنوان یک ایدیو لوزی معتبر در میان کشور های مسلمان مطرح است.

آثار مهم اقبال لاهوری

اقبال لاهوری آثار زیادی در زمینه های مختلف دارداما آنچه از ان میان شهرت بسیار دارد و از جملهء آثار مهم بر شمرده میشود عبارت از کتاب امیای فکر دینی و رسالهء دورهء دکتورای وی یعنی انکشاف ماوراء الطبیعه در فارس که تمت عنوان «سیر فلسفه در ایران» انتشار یافته است، میباشد. کتاب نخستین به عنوان یک کتاب ایدیو لوژیک برای مسلمانان و کتاب دومین به عنوان یکی از نخستین تمقیقات علمی در بارهء فلسفهء شرق در دورهء قبل از اسلام و بعد از اسلام از اهمیت ویژه برخوردار است. اشعار در ی اقبال تمت عناوین: «پیام مشرق»، «اسرارو رموز»، «جاوید نامه»، «مثنوی پس چه باید کرد؟ مع مسافر» و «ارمغان اعجاز» تنظیم گردیده است و در میان دری زبانان شهرت فراوانی دارد. (۱)

استراتژی فکر اقبال

اگر فقط به عناوین آثار اقبال که قبلا از آن تذکر به عمل آمد دقت صورت بگیرد خواننده آگاه از فکر و ایدئولوژی در مییابد که اقبال به عنوان یک ایدئولوگ ، ایجاد جامعه اسلامی را با در نظر داشت پیشرفتهای تمدن و فرهنگ امروز جهان هدف کارهای فکری و ادبی خود قرار داده بود و میخواست با اشعار و آثار خود نوعی از تمرک را جهت فعالیتهای فکری و ادبی برای خواننده گان مخصوصا خواننده گان دری زبان پدید بیاورد تا آنها بتوانند جامعه را از خواب غفلت بیرون آورند و به کار و کوشش و سازنده گی سوق دهند .

میتودلوژی کار فکری و ادبی

اقبال

یکبررسی اجمالی از آثار اقبال نشان میدهد که وی میتود هایی را که به کار میگیرد از یکطرف با امور انفسی ارتباط دارد چنانکه به خودی و شخصیت فردی توجه میکند میخواهد آدمی را به خود متوجه سازد از سوی دیگر به امور آفاقی ارتباط دارد که در آن کار و سازنده گی و ارزشهای این جهانی پر ارزش

<http://mvmgroup.blogspot.com>

جلوه میکند . البته در این میان از یکطرف مقایسه را به کار میگیرد و زنده گی غربیان را در مقایسه با زنده گی شرق نشان میدهد از سوی دیگر ، دید تاریخی را مورد توجه قرار میدهد و شفصیتهای بزرگ جهان اسلام را در تاریخ ارائه میدهد و آنها را الگویی از پیشرفت مسلمانان در دوره های طلایی چون عهد سلطان محمود غزنوی ارائه میدارد وبلافره با استفاده از میتود مختلط خواننده را از یکطرف به خود متوجه میسازد از سوی دیگر به جامعه و

طبیعت

اقبال و جهان اسلام

اقبال خود را یک مسلمان متعهد و رسا لتمد میداند که میفواهد ارزشهایی را که در اسلام مطرح است و مسلمانان آن را درک نمیکنند از طریق آثار خود توضیح دهد و بفواهد بگوید که آنچه از ضعفهایی که در جهان امروز وجود دارد توسط ارزشهای اسلامی از میان میرود یعنی پیشرفتهای مادی را در پیوند با ارزشهای اسلامی کمال یافته میپندارد و نبود آن ارزشها را برای جهان مادی یک نقیصه تعبیر میکند .

اقبال و نیم قارهء

هند

اقبال نیم قارهء هند را به میث یک الگو برای یک کشور اسلامی در دورهء بعد از (هایی از استعمار به تصور می آورد که پاکستان با الهام از آن ایده ها یک دهه بعد از وفاتش تشکیل گردید .

اقبال و

افغانستان

اقبال به افغانستان به عنوان کشوری میدید که وارث تمدنهای بزرگ عهد اسلامی است ۷در زمان محاصر نخستین کشوری است که از یوع استعمار (هایی یافته و میتواند الگویی برای سایر کشور های مسلمان قرار بگیرد به همین جهت کتاب پیام مشرق را با پیشکش به مضور اعلی حضرت امان الله خان آغاز نموده است .

اقبال و جریانهای علمی و

آکادمیک

مهمترین فیصیصهءکارهای فکری و ادبی اقبال آنست که به امور و مسایل از دیدگاه علمی مینگرد و آنها را به شکل آموزشهای منظم و اکادمیک مطرح میکند . چون دید علمی و اکادمیک دارد نمیخواهد امور را به شکل تقلیدی یا امساساتی مطرح کند بلکه هرچیز را تحلیل میکند و نتیجه میگیرد و یک موضوع را با موضوع دیگر ارتباط میدهد و از آنها نتایج کلی تر به دست میدهد. فوانده هنگامی که یک کتاب اقبال را میخواند فکر میکند در یک کر یکولم یکی از مضامین را فوانده است که بفش دیگر آن در کتاب دیگر تکمیل میگردد . این کاری است که قبلا سایر بزرگان عالم اسلام مخصوصا امام محمد غزالی و (۲)

مولانا جلال الدین محمد بلخی به صورت بسیار عالی انجام داده بودند چنانکه امیای علوم دین غزالی و مثنوی معنوی مولانا نمونه های برجستهء آن است که اقبال با الهام از آنها گویی به تدوین آثار منثور و منظوم خود پرداخته است .البته مبرهن است که امام محمد غزالی و مولانا جلال الدین محمد بلخی استادان بزرگ پو هنتونهاى قرون ششم وهفتم هجری برشمرده میشدند .

اقبال و جریانهای علمی و اکادمیک قبل از استقلال

افغانستان

جریانهای علمی و اکادمیک در افغانستان معاصر طی سالهای قبل از استقلال کشور با کارهای علامه سید جمال الدین افغان آغاز گردید، چنانکه مفهوم معارف عصری و تدوین برنامه های آموزشی و کار های اکادمیک به اثر کوششهای علامه سید جمال الدین افغان در عصر امیر شیرعلی خان در پهلوی کار در بخش ایجاد سافتار های جدید در جامعه آن روز آغاز یافت. ۸. وزمینه برای پذیرش ارزشهای تمدن جدید از طریق جریانهای علمی و اکادمیک در نهاد های مختلف جامعه به وجود آمد و یکنوع روح تجدد فرهنگی و مدنی در جامعه شکل گرفت همان رومی که بعدا با کار های سید جمال الدین افغان در هند، مصر، سایر کشور های شمال افریقا، ترکیه، ایران، عراق، سوریه و دیگر کشور های اسلامی راه پیدا کرد. اقبال چون خود را یکی از ادامه دهنده گان راه سید جمال الدین افغان میدانند و در چاوید نامه در بخش فلک عطارد سید جمال الدین را :

سید السادات مولانا جمال

زنده از گفتار او سنگ و سفال

میخواند واز زیارت ارواح جمال الدین افغانی یاد میکند ۹

اقبال و جریانهای علمی و اکادمیک بعد از استقلال

افغانستان

یکی از ارکان عمدهء جریانهای علمی و اکادمیک دانشمندان دایره المعارفی و فیلسوف برجسته کشور علامه صلاح الدین سلجوقی میباشد که وی و اقبال علاوه بر ارتباط معنوی که آنها از طریق فوانش آثار همدگر باهم داشتند هشت سال کامل، آندو هر سال هفته ها باهم یکجا به سر برده و تبادل افکار داشته اند ۱۰ به اینجهت آنچه به نام مکتب فکری علامه سلجوقی در فرهنگ و ادب دورهء محاصر هستی دارد و تقریبا بسیاری از شخصیتهای مهم در دورهء بعد از استقلال اعم از استاد، نویسنده، شاعر و سیاستمدار میشناسیم در پیوند با این مکتب مطرح میشوند که بر اساس آنچه در ارتباط علامه سلجوقی و علامه اقبال گفیم به نموی از انما با علامه اقبال نزدیکی پیدا میکنند و بدین طریق جریان علمی و اکادمیک بعد از استقلال را به طور غیر مستقیم به علامه اقبال پیوند میدهد.

اقبال و پوهنتون کابل و تمصیلات عالی

کشور

<http://mvmgroupp.blogspot.com>

یکی از مهمترین کارهایی که در زنده گی اقبال موجود است، ارتباط اقبال با تمصیلات عالی افغانستان و پوهنتون کابل به عنوان پوهنتون مادر درکشور میباشد. علامه اقبال نخستین دانشمندی است که به عنوان مشاوری فرهنگی هنگام تأسیس پوهنتون کابل در ۱۹۳۳ به افغانستان رسماً دعوت گردیده است. ابا یقین سمت مشاوری فرهنگی بر اقبال تأثیر خاصی داشته، چنانکه میبینیم رسالهء منظوم «پس چه باید کرد ای اقوام شرق» و منظومهء «مسافر» که دو سال قبل از وفات علامه اقبال یعنی در ۱۹۳۶ به وجود آمده است رساله های است که کاملاً اهداف مشخص برای ساختن نهاد های مدنی و فرهنگی و بیداری مردم ایجاد گردیده است.

اقبال، کریکولم و میتودولوژی مکاتب و پوهنتون

اقبال از یکطرف با شخصیت کلیدی جریانهای علمی و آکادمیک درکشور یعنی علامه استاد صلاح الدین سلجوقی ارتباط فکری داشت از سوی دیگر رسماً به میث مشاوری فرهنگی در امور تمصیلات عالی به دولت آن وقت مشوره میداد به جریانهایی که در سامات تعلیم و تربیه و تمصیلات عالی ارتباط دارد تأثیرات خاصی داشته است. (۳) اسلاخ فواهی که در آثار علامه اقبال و علامه

سلجوقی مشترک است با اساس تجدد خواهی و نو گرایی عجین گردیده که آنچه تا ۱۳۵۷ در امور تعلیم و تربیه و تمصیلات عالی و کارهای فرهنگی و علمی به مشاهده میرسد میتوان این بخش را به طور دقیق به ارزیابی گرفت و تأثیرات علامه اقبال را به صورت مستند تشریح داد و آن را ارائه کرد .

مؤفره

علامه اقبال یکی از شخصیت‌های متنفذ در جهان اسلام به اساس علاقمندی‌هایی که به تاریخ دورهء کلاسیک و دورهء معاصر افغانستان داشته است به صورت عمیق به گوشه های مختلف فرهنگ افغانستان توجه نموده و در آثار و اشعار خویش طوری از افغانستان صحبت میکند که آن را به عنوان کشور خودی ترسیم مینماید و کسی که نداند اقبال از پاکستان است و صرف آثار و اشعارش را بنگرد متما فیال میکند که از افغانستان است و یکی از دلایلی که وی مورد توجه علما و دانشمندان افغانستان میباشد علاوه بر افکار و اندیشه های وی که به عنوان ایدیالوگ جهان اسلام مطرح است علاقمندی خاص وی به افغانستان و مردم این سرزمین است . در صورتی که کریکولم و میتود های درسی در پوهنتون کابل و فعالیت‌های علمی و تحقیقی که در افغانستان صورت گرفته است بررسی گردد نقش علامه اقبال در آنها به روشنی به مشاهده

<http://mvmgroup.blogspot.com>

خواهد رسید که مطالعه آن خالی از دلچسپی نخواهد بود . یکی از اموری که تداوم افکار و اندیشه های اقبال را درجریانهای علمی و فرهنگی و اکادمیک امکانپذیر میگردانید تجلیل از سالگرد وفات علامه اقبال است که هر سال در ماه ثور از جانب سفارت پاکستان به صورت یک عنعنه با شرکت فعال استادان دیپارتمنت دری پوهنمی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل دایر میگردید و خبر آن بامتن خطابه های مهم در مجله ادب انتشار مییافت و به این طریق تجدید امتزاه به مقام علمی این دوست مردم و دولت افغانستان میگردید .

منابع و مأخذ

۱. سید غلام رضا سعیدی . «زنده گی و فلسفه ونظریات سیاسی اقبال»

یادنامهء اقبال

به کوشش بهاءالدین اورنگ ، لاهور: خانهء فرهنگ ایران ، ۱۳۵۷ ص

۲۱.

۲. غلام مسن مجددی . «فلسفهء اقبال» ادب، ش ۱_ ۲ سال پانزدهم (۱۳۴۶)

ص ۳.

<http://mvmgroup.blogspot.com>

۳. کتاب معروف امیای فکر دینی اقبال لاهوری با کتاب امیای علوم دین امام محمد غزالی از نظر اهداف نویسنده گی کاملاً مشابه است که میتوان گفت در امیای فکر دینی تأثیر امام غزالی بسیار زیاد به مشاهده میرسد همچنان مولانا جلال الدین محمد بلخی و سید جمال الدین افغان از نظر رومی بر اقبال مسلط است چنانکه این موضوع در جاوید نامه کاملاً در مورد مولانا مشهود است و در بخش فلک عطارد در مورد سید جمال الدین افغان به صورت واضح تذکر رفته است (اقبال. جاوید نامه، لاهور: شیخ غلام علی ایند سنز ناشران کتب، چاپ پنجم ۱۹۶۴).

۴. درین بخش رجوع شود به (اقبال: «نقش فرنگ» ، پیام مشرق ، لاهور: شیخ علی ایندسنز ، ناشران کتب ، چاپ دهم ۱۹۶۳، ص ۲۲۳).

۵. سید غلام رضا سعیدی ، همان اثر ، ص ۲۲.

۶. در مورد میتود انفسی در اسرار و رموز در بحث اسرار فودی و در مورد روش آفاقی در پیام مشرق و در مورد روش مختلف به مثنوی پس کرد ؟ مراجعه شود.

۷. محمد اقبال لاهوری. مثنوی پس چه باید کرد؟ مع مسافر، لاهور : شیخ

غلام علی ایندسنز ناشران کتب، چاپ پنجم ۱۹۶۴، ص ۲۴.

۸. میرغلام محمد غبار. «تاریخ افغانستان بعد از اسلام الی زمان حاضر»

افغانستان، انجمن آریانا دایره المعارف، ۱۳۳۴، ص ۵۷. ۹. محمد اقبال

جاوید نامه، ص ۶۳.

۱۰. صلاح الدین سلجوقی. تقویم انسان، کابل : ناشر ممیرا ملکیار سلجوقی،

۱۳۵۲، ص ۳۱۳.

۱۱. سید غلام رضا سعیدی . همان اثر ، ص ۲۲.